

مَثَل کارگران تآکستان

دکتر جاناتان پنینگتون

”باغ‌های خیالی با وزغ‌های واقعی“، یک نویسنده مَثَل‌های مسیح را اینگونه توضیح داده. آنها داستان‌های تخیلی هستند، اما به زندگی واقعی مربوط می‌شوند. آنها باغ‌های خیالی هستند، اما وزغ‌های واقعی در آنها وجود دارد. اغلب آن وزغ‌ها ما هستیم.

متی ۲۰: ۱-۱۶، با وضعیت راییج در دنیای باستان شروع می‌شود: یک مالک زمین به کارگر نیاز دارد، بنابراین او تعدادی کارگر روزمزد را استخدام می‌کند. اما بعد از چند ساعت او به کارگران بیشتری نیاز پیدا می‌کند. پس تا یک ساعت مانده به اتمام کار چندین بار رفته و کارگرهای جدیدی می‌آورد.

اما صاحب تآکستان کار عجیبی انجام می‌دهد. در پایان روز، او همه را دور هم جمع می‌کند و دستمزد تمام روز را به مردانی که فقط یک ساعت کار کرده‌اند، می‌دهد. این اقدام تکان دهنده و سخاوتمندانه باعث ایجاد هیاهو در جمعیت می‌شود. کارگرانی که تمام روز کار کرده‌اند به سرعت محاسبه می‌کنند. آنها احتمالاً فکر می‌کنند: ”اگر آن کارگرها برای یک ساعت کار، یک دینار دریافت کردند، پس ما در پول غرق خواهیم شد.“ آنها آن روز را روز خوش‌شانسی خود می‌بینند.

بنابراین، می‌توانیم درک کنیم که وقتی دستمزد آنها پرداخت شد و همان مبلغی در دستان دراز و تاول زده‌ی آنها قرار گرفت که به کارگرهای دیگر داده شده بود، آنها خوشحال نبودند. یا بهتر است بگوییم آنها عصبانی بودند، آنقدر عصبانی بودند که آشکارا نسبت به آن شخص خیرخواه شکایت کنند. مالک پاسخ می‌دهد که مبلغ

منصفانه و توافقی را پرداخت کرده است. با این حال، او در تصمیم‌گیری برای خرج کردن پولش مختار است، و اگر بخواهد به کسانی که کمتر کار کرده‌اند سخاوت نشان دهد به خود او ربط دارد. آشفتگی روحی آن کارگراها به دلیل انتظارات مبتنی بر حسادت آنها است، نه بی‌عدالتی.

در تاریخ کلیسا، تلاش زیادی برای توضیح این مَثَل صورت گرفته است. برخی گفته‌اند که پنج مرحله‌ی استخدام نشان‌دهنده‌ی پنج مرحله از تاریخ جهان است که طی آن خداوند مردم را به سوی خود فراخوانده است، یا مراحل مختلفی از زندگی که ممکن است فرد مسیحی شود. بنابراین، نکته این است که خدا نسبت به همه مهربان است و همه را به ملکوت خود می‌پذیرد، صرف نظر از اینکه چه زمانی خوانده شده‌اند. برخی می‌گویند این مَثَل تصویری از پادشاهی آینده‌ی خداست که در آن همه‌ی افراد نجات‌یافته بهشت را دریافت می‌کنند، مهم نیست چقدر برای خدا کار کرده‌اند. گسترده‌ترین و شاید رایج‌ترین تفسیر این است که این مَثَل صرفاً تصویری از فیض و سخاوت باورنکردنی و شگفت‌انگیز خداوند است- یا خلاصه‌ی انجیل است.

هر یک از این تفاسیر حقایقی را در خود دارد. اما چیزی بیشتر برای دریافتن در این مَثَل وجود دارد. نکته‌ی کلیدی، توجه به زمینه‌ای است که متی برای درک این مَثَل به ما می‌دهد. داستانی که پیش از مَثَل ما می‌آید درباره‌ی یک رهبر ثروتمند کنیسه است که در نهایت از عیسی پیروی نمی‌کند، زیرا محبت او به دارایی‌هایش بسیار زیاد بود (۱۶: ۱۹-۲۲). بعد از شنیدن پاسخ عیسی به آن مرد، شاگردان مسیح آشفتگی می‌شوند. سپس عیسی به جهت دست کشیدن شاگردان از همه‌چیز خود در قبال پیروی او وعده‌هایی عالی به آنها می‌دهد (آیه ۲۳-۳۰). این وعده مبنی بر اینکه شاگردان بر دوازده تخت خواهند نشست، افکار شاگردان را به قدری پریشان می‌کند که یعقوب و یوحنا می‌خواهند کسانی باشند که بر تخت‌های نزدیک به عیسی می‌نشینند (۲۰: ۲۰-۲۸).

این زمینه به ما نشان می‌دهد که این مَثَل دقیقاً به قلب ما ضربه می‌زند، به دو موضوعی که همواره با هم دیده می‌شوند، یعنی خودستایی و حسادت. وقتی فرمانروای جوان با دست خالی می‌رود اما به شاگردان که افرادی ساده هستند وعده‌ی فرمانروایی داده می‌شود، برای آنها سخت بود که به جهت انتخاب درستشان در پیروی مسیح و آنچه که به دست آورده‌اند دچار اندکی خودستایی که حاصل غرور آنها بود نشوند. در این مَثَل، عیسی به آنها یادآوری می‌کند که هر چه دارند از جانب خداست، که همه‌ی برکاتشان از سخاوت خداست، نه کارهای خودشان. شاگردان بهتر از مرد ثروتمند نیستند. در همان زمان، عیسی به قلب ما که مستعد حسادت است نیز اشاره دارد. عیسی شاگردانش را به چالش می‌کشد که به آنچه دیگران دارند نگاه نکنند و تلخ و حسود نشوند. هم‌چشمی و حسادت روح شخص را ویران می‌کند زیرا کاملاً مغایر با این حقیقت است که تمام زندگی هدیه‌ای از جانب خداوند است.

بنابراین، این مَثَل به ما دیدی صحیح از فیض سخاوتمندانه‌ی خداوند نسبت به ما و دیگران می‌دهد. وقتی که چشم‌انمان را نه به صورت افقی به آنچه دیگران دارند، بلکه به صورت عمودی به سخاوت مالک زمین، شاه‌شاهان عیسی مسیح، دوخته باشیم حیات را یافته‌ایم، در او که ما را دوستان خود می‌خواند و با فیض و سخاوتش همه چیز را به ما می‌بخشد.

دکتر جان‌اتان تی. پنینگتون، استاد عهدجدید و مدیر دوره‌ی پی.اچ.دی در دانشگاه الهیات بیتیس جنوبی در شهر لوئیزویل ایالت کنتاکی می‌باشد. او همچنین در کلیسای Sojourn East به خدمت موعظه مشغول است. ایشان نویسنده‌ی چندین کتاب از جمله The Sermon on the Mount and Human Flourishing می‌باشد.

این مقاله در مجله [تیبیل‌تاک](#) منتشر شده است.